

بسم الله الرحمن الرحيم

تقریر درس شرح کتاب الحجه اصول کافی

آیه الله سید محمد مهدی میر باقری

جلسه شماره ۴۰ به تاریخ ۹۹/۱۲/۱۱

تبیین جریان نور و ظلمات در معارف قرآن و روایات - ارتباط حقیقت ضلال و تحیر و شک با مسئله هدایت الهی -  
عدم کفایت دستگاه معرفتی ما برای هدایت در عالم

### صحیحہ یونس بن یعقوب در رفع تحیر و اختلاف

بحث در صحیحہ دیگر یونس بن یعقوب است کہ روایت سوم باب اضطرار بہ حجت است.<sup>۱</sup> در این روایت کہ مناظرہ هشام بن حکم با عمرو بن عبید بود و مورد تأیید امام ہم بوده، دو قسمت ذکر شدہ است. قسمت اول روایت، مثالی بود کہ بیان می کرد کہ نسبت بین قلب و قوای انسان، نسبت امام و ماموم است و قلب است کہ سبب معرفت و رفع شک و اختلاف در قوای معرفتی انسان می شود. و عرض کردیم کہ مُحَشِّین در اینجا بحث هایی ناظر بہ نسبت بین قوا و ارتباط قلب و جوارح را بررسی کرده اند، کہ عمدتاً بحث های طبیعیات است و خیلی مد نظر ما نیست، لذا عبور می کنیم.

قسمت دوم روایت ہم ممثل بود کہ اشارہ کرده است کہ در عالم ہم امامی هست کہ همان ماموریت را بین انسان ها دارد و رفع شک و تحیر و اختلاف و رساندن بہ یقین و ائتلاف بوسیله او در عالم انجام می شود. این همان نکته ای است کہ وجهی از وجوه اضطرار بہ امام را بیان می کند و بہ همین خاطر ہم این روایت در این باب قرار گرفته است. خلاصہ عرض ما ہم این بود کہ ظاہر روایت این است کہ ما با امکانات خودمان از ضلال و حیرت بیرون نمی رویم.

دو سوال در بحث مطرح شد. سوال اول اینکه در مقابل ظاہر این روایت گفته می شود کہ قوای ادراکی و عاقلہ انسان برای رسیدن بہ علم و یقین در حوزه های وسیعی از حیات انسان کفایت می کند و برای رفع تحیر و شک و اختلاف ہمیشہ ما نیاز بہ وحی نداریم. تجارب بشری و استدلال های عقلی و شہودهای انسان ها، سبب رشد علمی انسان است. پس چرا این روایت می گوید راه رفع شک مطلقاً با وحی است؟! آیا این علوم ما ہمہ شک و حیرت است؟!

<sup>۱</sup> - الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۱، ص: ۱۶۹.

سوال دوم هم این بود که حول ائمه جور هم یک تجمع علمی و عملی رخ می دهد و بلکه یک امت واحده درست کرده اند و یک سبک زندگی را جا انداخته اند. این وحدت و انسجامی که در این دستگاه ولات مادی می بینیم چه نسبتی با مفاد این روایت دارد؟!

### تبیین هدایت و نور الهی در معارف دین

در جواب از این سوالات بحثی را شروع کردیم که طبق معارف قرآن و اهل بیت ما دو وادی داریم؛ وادی نور و ظلمت، وادی بصیرت و عماویه؛ وادی حیات و موت و مانند این عناوین که مکرر در آیات و روایات بیان شده است. اگر ایندو محیط تبیین شود و لوازم آن دیده شود، برای توضیح مسئله شک و حیرت موثر واقع خواهد شد.

آیه مهمی که در قرآن ایندو محیط نور و ظلمات را توضیح داده است، آیات نور و ظلمات در سوره مبارکه نور است. فرمود: «اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مِثْلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ نُورٌ عَلَى نُورٍ يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ وَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ»<sup>۲</sup>

این آیه جریان هدایت الهی در عالم را توضیح داده است و بنظر ما ربطی به بحث ارتباط وجود خدا و بقیه موجودات ندارد.<sup>۳</sup> در معتبره عباس بن هلال که در کتب متعددی این روایت نقل شده است فرمود: «عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ هِلَالٍ قَالَ سَأَلْتُ الرَّضَا عَنْ قَوْلِ اللَّهِ اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ فَقَالَ هَادٍ لِأَهْلِ السَّمَاءِ وَ هَادٍ لِأَهْلِ الْأَرْضِ وَ فِي رِوَايَةٍ الْبَرْقِيُّ هُدًى مَنْ فِي السَّمَاءِ وَ هُدًى مَنْ فِي الْأَرْضِ»<sup>۴</sup> این نور، جریان هدایت الهی است که در همه آسمان و زمین هم هست.

کلمه نوری که در عالم نازل شده است و همه هدایت با آن رخ می دهد، در آیات مکرری در قرآن توضیح داده شده است. در سوره مبارکه طه که بحث خلقت حضرت آدم و هبوط ایشان به زمین را اشاره کرده است، فرموده: «قَالَ أَهْبِطَا مِنْهَا جَمِيعًا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ فَإِمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ مِنْي هُدًى فَمَنِ اتَّبَعَ هُدَايَ فَلَا يَضِلُّ وَلَا يَشْقَى»<sup>۵</sup> یعنی شما هبوط می کنید ولی یک جریان هدایتی برای شما خواهد بود که اگر از آن تبعیت کنید و همه قوای خود را در آن مسیر قرار دهید، در

<sup>۲</sup> - سوره مبارکه نور آیه ۳۵

<sup>۳</sup> - شاهد اینکه بحث بر سر وجود و تحلیل وجود هم نیست، مقابل آن بحث ظلمات است که در آیات بعد در همین سوره اشاره شده است.

<sup>۴</sup> - الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۱، ص: ۱۱۵

<sup>۵</sup> - سوره مبارکه طه آیه ۱۲۳

وادی ضلال و گمراهی نخواهد بود و شقاوت هم پیدا نمی‌کند. در این آیه هم بیان کرده است که تا نور الهی نازل نشود، انسان از وادی ضلال بیرون نخواهد رفت و گرفتار است.

این جریان هدایت در آیه نور مفصلاً توضیح داده شده است و شبکه نزول آن بیان شده است. فرمود: «مَثَلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ» که در روایت توحید صدوق این «مثل نور» به خود نبی اکرم تفسیر شده است.<sup>۶</sup> بعد فرموده این مثل نور الهی مانند یک مشکاه و چراغدانی است که ترکیب ویژه ای دارد؛ چراغی دارد و یک زجاجه و روغنی دارد و این ترکیب هم خاص هم در روایات توضیح داده شده است که شبکه نزول نور در حضرات معصومین است. لذا فرموده: «نور علی نور» و در انتها هم فرموده است «يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ» که با سیر در این انوار انسان می‌تواند به نور خاص الهی برسد که در روایات به حضرت حجت تفسیر شده است. هرکسی را خدا بخواهد هدایت کند با این جریان نور است که ترکیب ویژه ای هم دارد و باید با این انوار همراه شد. نور این چراغ در روایات مکرری به علم رسول و امام تفسیر شده است که عالم به آن روشن می‌شود.

در تعبیر «يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ» بیان شده است کسی را که خدا اراده و مشیت به هدایت او داشته باشد به این نور می‌رساند. در حدیث معروف عنوان بصری حضرت فرمودند نور کثرت تعلم نیست بلکه نوری است که خدا کسی را که بخواهد هدایت کند، در قلب انسان قرار می‌دهد. فرمود: «لَيْسَ الْعِلْمُ بِالْتَّعَلُّمِ إِنَّمَا هُوَ نُورٌ يَقَعُ فِي قَلْبٍ مَنْ يُرِيدُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَنْ يَهْدِيَهُ فَإِنْ أَرَدْتَ الْعِلْمَ فَاطْلُبْ أَوَّلًا فِي نَفْسِكَ حَقِيقَةَ الْعُبُودِيَّةِ»<sup>۷</sup> و از همین تعبیر روشن می‌شود که این علم و هدایتی است که بندگی قرار داده شده است؛ تا بستر بندگی را کسی فراهم نکند چنین حقیقتی به او داده نمی‌شود. فرمود: «وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ رُوحًا مِنْ أَمْرِنَا مَا كُنْتَ تَدْرِي مَا الْكِتَابُ وَلَا الْإِيمَانُ وَلَكِنْ جَعَلْنَاهُ نُورًا نَهْدِي بِهِ مَنْ نَشَاءُ مِنْ عِبَادِنَا وَإِنَّكَ لَتَهْدِي إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ»<sup>۸</sup> این نور الهی برای هدایت عبادالله است.

<sup>۶</sup> - در روایت فرمود: «إِبْرَاهِيمُ بْنُ هَارُونَ الْهَيْثِيُّ بِمَدِينَةِ السَّلَامِ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي التَّلَجِّ قَالَ حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ أَيُّوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ غَالِبٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ الْحَسَنِ بْنِ أَيُّوبَ عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ سُلَيْمَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوَانَ الذَّهَلِيِّ عَنْ الْفَضْلِ بْنِ يَسَارٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقِ اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ قَالَ كَذَلِكَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ قَالَ قُلْتُ مَثَلُ نُورِهِ قَالَ مُحَمَّدٌ قُلْتُ كَمِشْكَاةٍ قَالَ صَدْرُ مُحَمَّدٍ قَالَ قُلْتُ فِيهَا مِصْبَاحٌ قَالَ فِيهِ نُورُ الْعِلْمِ يَعْنِي النَّبُوَّةَ قُلْتُ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ قَالَ عَلِمَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِلَى قَلْبِ عَلِيٍّ قُلْتُ كَأَنَّهَا قَالَ لَايَ شَيْءٍ تَقْرَأُ كَأَنَّهَا فَقُلْتُ فَكَيْفَ جُعِلَتْ فِدَاكَ قَالَ كَأَنَّهُ كَوَكَبٌ دُرِّي قُلْتُ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ قَالَ ذَلِكَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ لَا يَهُودِيٌّ وَلَا نَصْرَانِيٌّ قُلْتُ يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ قَالَ يَكَادُ الْعِلْمُ يَخْرُجُ مِنْ قَمَرِ الْعَالَمِ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ مِنْ قَبْلِ أَنْ يُنْطَلِقَ بِهِ قُلْتُ نُورٌ عَلَى نُورٍ قَالَ الْإِمَامُ فِي إِثْرِ الْإِمَامِ «التَّوْحِيدُ (لِلصَّدُوقِ)، ص: ۱۵۸

<sup>۷</sup> - بحار الأنوار (ط - بيروت)، ج ۱، ص: ۲۲۵

<sup>۸</sup> - سورة مبارکه شوری آیه ۵۲

## تنزل نور الهی در بیت الانبیاء برای بهره مندی انسان

نکته بعد در بحث این است که این نور الهی از یک طریقی که در آیه شریفه با تفصیلات توضیح داده است، تنزل می کند تا در این عالم در بیوت انبیاء و اولیاء در دسترس ما قرار می گیرد. در آیه بعد فرمود: «فِي بُيُوتٍ أُذِنَ لِلَّهِ أَنْ تَرْفَعَ وَ يُذَكَّرَ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ \* رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَ لَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَ إِقَامِ الصَّلَاةِ وَ إِيْتَاءِ الزَّكَاةِ يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَ الْأَبْصَارُ» در روایات مکرری این بیوت به خانه انبیاء و اهل بیت تفسیر شده است.<sup>۹</sup> تا این نور در این خانه ها قرار نگیرد ما راهی به آن نداریم. در زیارت جامعه فرمود: «أَنْ أُرَوِّحَكُم وَ نُورَكُم وَ طَيِّبَتِكُمْ وَاحِدَةً طَابَتْ وَ طَهَّرَتْ بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ خَلَقَكُم أَنْوَارًا فَجَعَلَكُم بِعَرْشِهِ مُحَدِّقِينَ حَتَّى مَنْ عَلَيْنَا فَجَعَلَكُمُ اللَّهُ فِي بُيُوتٍ أُذِنَ لِلَّهِ أَنْ تَرْفَعَ وَ يُذَكَّرَ فِيهَا اسْمُهُ»<sup>۱۰</sup> یعنی این انوار مقدسه اگر تا منزلت بیوت تنزل نکنند، راه برای رسیدن به این هدایت برای ما باز نمی شود.

روشن است که این بیوت انبیاء منظور محیط ولایت آنهاست و مقصود بیت ظاهری آنها نیست؛ کما اینکه هر کسی می تواند به بیت ظاهری آنها وارد شود ولی ورود به بیت حقیقی امام برای مومن قابل دسترسی است. البته همین بیت ظاهری امام و حرم های مقدس هم از منزلت ویژه ای برخوردار است و همین خانه های ظاهری طریق فیوضات است. ویژگی مهم این بیت النبوه که در آیه شریفه توضیح داده شده است، ذکر الهی و رفعت است و کسانی که به این بیت وارد می شوند، حیات شان تسبیح می شود، و هیچ لهوی از یاد خدا ندارند. تجارت و بیع آنها هم در محیط ذکر واقع می شود. این نور الهی همان حقیقت ذکر است که نازل شده است و انسان با تولی به آن «ذاکر» می شود. در این آیه شریفه نزول هدایت الهی با ذکر توضیح داده شده است؛ کما اینکه در آیه سوره مبارکه طه که اشاره شد، نیز همینطور است؛ فرمود: «قَالَ اهْبِطْ مِنْهَا جَمِيعًا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ فَإِمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ مِنِّي هُدًى فَمَنِ اتَّبَعَ هُدَايَ فَلَا يَضِلُّ وَ لَا يَشْفَى \* وَ مَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَ نَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمًى» در این آیه بعد از اینکه از نزول کلمه هدایت در عالم صحبت

<sup>۹</sup> - در صحیح ابوحزمه ثمالی در کافی شریف در ضمن حدیث طویل جناب آدم و شجره فرموده: «عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفُضَيْلِ عَنْ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ الْحُجَّةُ الْأَنْبِيَاءُ وَ أَهْلُ بُيُوتَاتِ الْأَنْبِيَاءِ حَتَّى تَقُومَ السَّاعَةُ لِأَنَّ كِتَابَ اللَّهِ يَنْطَلِقُ بِذَلِكَ وَصِيَّةُ اللَّهِ بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ أَلَّتِي وَضَعَهَا عَلَى النَّاسِ فَقَالَ عَزَّ وَ جَلَّ فِي بُيُوتٍ أُذِنَ لِلَّهِ أَنْ تَرْفَعَ وَ هِيَ بُيُوتَاتُ الْأَنْبِيَاءِ وَ الرُّسُلِ وَ الْحُكَمَاءِ وَ أئِمَّةِ الْهُدَى فَهَذَا بَيَانُ عُرْوَةِ الْإِيمَانِ الَّتِي نَجَا بِهَا مَنْ نَجَا قَبْلَكُمْ وَ بِهَا يَنْجُو مَنْ يَتَّبِعُ الْأئِمَّةَ الْحَدِيثَ» الكافي (ط - الإسلامية)، ج ۸، ص: ۱۱۹.

<sup>۱۰</sup> - عیون أخبار الرضا، ج ۲، ص: ۲۷۵

کرده است، در آیه بعد مسئله اعراض از ذکر مطرح شده است.<sup>۱۱</sup> خلاصه اینکه یک کلمه نوری در عالم نازل می شود و تا منزلت بیت تنزل می کند و بستر ذکر و رفعت و تسبیح می شود و انسان را از وادی لهو بیرون می برد.

### جریان ظلمات در مقابل عالم نور و تبیین محیط ضلال

اما در طرف مقابل این جریان نور هم، ظلمات است که در آیه ظلمت توضیح داده شده است. فرمود: «وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَعْمَالُهُمْ كَسَرَابٍ بَقِيَعَةٍ يَحْسَبُهُ الظَّمَانُ مَاءً حَتَّى إِذَا جَاءَهُ لَمْ يَجِدْهُ شَيْئًا وَ وَجَدَ اللَّهَ عِنْدَهُ فَوَفَّاهُ حِسَابَهُ وَاللَّهُ سَرِيعُ الْحِسَابِ \* أَوْ كَظُلُمَاتٍ فِي بَحْرٍ لُجِّيٍّ يَغْشَاهُ مَوْجٌ مِنْ فَوْقِهِ مَوْجٌ مِنْ فَوْقِهِ سَحَابٌ ظُلُمَاتٌ بَعْضُهَا فَوْقَ بَعْضٍ إِذَا أَخْرَجَ يَدَهُ لَمْ يَكِدْ يَرَاهَا وَمَنْ لَمْ يَجْعَلِ اللَّهُ لَهُ نُورًا فَمَا لَهُ مِنْ نُورٍ» در این آیه از ظلمات مترکمی بحث شده است که لایه های مختلفی دارد و همه از جنس ظلمت است.

محیط ظلمات هم محیطی است که انسان و همه قوای او ممکن است در آن قرار گیرد. این تاریکی ها به نحوی است که انسان دست خود را هم خارج می کند، دیده نمی شود. انسان در این وادی امکانات خود را نمی بیند. وادی ضلال همین است که انسان چیزی از خود و اطرافش نمی بیند. خود را حیوانی می داند با غرائزی از جنس شهوت. استاد عزیزی می فرمود انسان بدون انبیاء از خود چیزی جز دهان و دامن نمی شناسد و همه تلاش او برای تامین همین نیازهاست.

مقایسه این دو محیط نور و ظلمت در این آیات مهم است و روایات ذیل ایندو آیه مکرر است. یکطرف محیط «نور علی نور» است که در روایات به امامی بعد از امام دیگر تفسیر شده است. طرف دیگر هم «ظلمات بعضها فوق بعض» است که روایات به لایه های پیچیده این محیط ظلمت و ضلال اشاره کرده است که محیط ولایت ائمه جور است. لذا بدون این نور الهی، هدایتی در کار نیست و فقط ظلمات است. «مَنْ لَمْ يَجْعَلِ اللَّهُ لَهُ نُورًا فَمَا لَهُ مِنْ نُورٍ»<sup>۱۲</sup> اینطور نیست که ما هدایت را در جای دیگری بتوانیم پیدا کنیم؛ بیرون این وادی نور، چیزی جز ظلمت نیست.

<sup>۱۱</sup> - استاد اشاره فرمودند که همانطور که کلمه هدایت به نبی اکرم تفسیر شده است کلمه ذکر هم به حضرت تفسیر شده است. در سوره مبارکه طلاق فرمود: «فَاتَّقُوا اللَّهَ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ الَّذِينَ آمَنُوا قَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكُمْ ذِكْرًا \* رَسُولًا يَتْلُوا عَلَيْكُمْ آيَاتِ اللَّهِ مُبَيِّنَاتٍ لِيُخْرِجَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ» در این آیه بیان شده است که ذکر که نازل شده است، رسول الهی است.

<sup>۱۲</sup> - در صحیح صلیح بن سهل که روایت بسیار مهمی است فرمود: «عَلَى بْنِ مُحَمَّدٍ وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ شُمُونَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْأَصَمِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ صَالِحِ بْنِ سَهْلِ الْهَمْدَانِيِّ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ فِي قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مِثْلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ فَاِطْمَأْ فِيهَا مِصْبَاحُ الْحَسَنِ الْمِصْبَاحُ فِي رُجَاةِ الْحُسَيْنِ الرَّجَاةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ فَاِطْمَأْ كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ بَيْنَ نِسَاءِ أَهْلِ الدُّنْيَا يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ إِبْرَاهِيمَ زَيْتُونَةٍ لَا شَرْقِيَّةَ وَلَا غَرْبِيَّةَ لَا يَهُودِيَّةَ وَلَا نَصْرَانِيَّةَ يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ يَكَادُ الْعِلْمُ يَنْفَجِرُ بِهَا وَ لَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارُ نُورٍ عَلَى نُورٍ إِمَامٌ مِنْهَا بَعْدَ إِمَامٍ يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ يَهْدِي اللَّهُ لِلْأَيِّمَةِ مَنْ يَشَاءُ وَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ قُلْتُ أَوْ كَظُلُمَاتٍ قَالَ الْأَوَّلُ وَ صَاحِبُهُ يَغْشَاهُ مَوْجٌ الثَّالِثُ مِنْ فَوْقِهِ مَوْجٌ ظُلُمَاتٍ الثَّانِي بَعْضُهَا فَوْقَ بَعْضٍ مُعَاوِيَةَ لَعَنَهُ اللَّهُ وَ فَتَنُ بَنِي أُمَيَّةَ إِذَا أَخْرَجَ يَدَهُ

پس دو محیط نور و ظلمت است و انسان اختیار می کند که در کدام محیط حیات داشته باشد و متعلق به کدام دستگاه باشد. انسانی که مومن به این هدایت شود، سیرش در وادی نور واقع می شود و روز به روز قوای او نورانی تر می شود. در طرف مقابل انسان اگر به این هدایت الهی کفر ورزید، ولایت او بدست اولیاء طاغوت است و سیر از نور به سمت ظلمت خواهد داشت. آیه شریفه سوره مبارکه بقره تقابل این دو دستگاه نور و ظلمات یا ولایت الهی و طواغیت را توضیح داده است. «اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِيَاؤُهُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُم مِّنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ»

### نورانی شدن همه قوا و عوالم انسان به نور الهی

پس این نور الهی در عالم تنزل کرده است که دست ما به او برسد و سیر ما با این نور الهی آغاز شود. اما نکته مهم این است که کسی که با این نور همراه شود، همه سیرش در هر مرحله با نور امام است و در عوالم بعد هم با همین نور حرکت می کند. در صحیح طلاحه بن زید فرمود: «حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّقَّارُ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَنْ طَلْحَةَ بْنِ زَيْدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عَنْ عَلِيٍّ قَالَ: الْمُؤْمِنُ يُتَقَلَّبُ فِي خَمْسَةِ مِنَ النُّورِ مَدْخُلُهُ نُورٌ وَمَخْرَجُهُ نُورٌ وَعِلْمُهُ نُورٌ وَكَلَامُهُ نُورٌ وَمَنْظَرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَى النُّورِ»<sup>۱۳</sup> این مومن است که منور به نور الهی می شود و همه وجودش از علم و عملش و حرکتش در دنیا و آخرت همه در وادی نور خواهد بود. این نور از همان مثل نور تنزل یافته الهی بدست می آید و مومن با آن حرکت می کند.<sup>۱۴</sup>

---

الْمُؤْمِنُ فِي ظُلْمَةِ فِتْنَتِهِمْ لَمْ يَكِدْ يَرَاهَا وَمَنْ لَمْ يَجْعَلِ اللَّهُ لَهُ نُورًا إِمَامًا مِنْ وَلَدِ فَاطِمَةَ فَمَا لَهُ مِنْ نُورٍ إِمَامٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَقَالَ فِي قَوْلِهِ يَسْعَى نُورُهُمْ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ أَتَمَّةُ الْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ تَسْعَى بَيْنَ يَدَيِ الْمُؤْمِنِينَ وَبِأَيْمَانِهِمْ حَتَّى يَنْزِلُوهُمْ مَنَازِلَ أَهْلِ الْجَنَّةِ» الكافي ج ۱، ص ۱۹۵

۱۳ - الخصال، ج ۱، ص: ۲۷۷

۱۴ - همین روایت طلاحه بن زید به سند صحیح دیگری در تفسیر قمی هم نقل شده است که صدری دارد که مومن را هم از مصادیق مشکاه نوری الهی معرفی کرده است: «حَدَّثَنَا حُمَيْدُ بْنُ زَيْدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ طَلْحَةَ بْنِ زَيْدٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ فِي هَذِهِ آيَةِ اللَّهِ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ قَالَ بَدَأَ بِنُورِ نَفْسِهِ تَعَالَى. مَثَلُ نُورِهِ مَثَلُ هُدَاهُ فِي قَلْبِ الْمُؤْمِنِ. كَمِشْكَاةٍ فِيهَا مِصْبَاحُ الْمِصْبَاحِ وَالْمِشْكَاةُ جَوْفُ الْمُؤْمِنِ وَالْقِنْدِيلُ قَلْبُهُ وَالْمِصْبَاحُ النُّورُ الَّذِي جَعَلَهُ اللَّهُ فِي قَلْبِهِ. يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةِ مُبَارَكَةٍ قَالَ الشَّجَرَةُ الْمُؤْمِنُ. زَيْتُونَةٌ لَا شَرْقِيَّةَ وَلَا غَرْبِيَّةَ قَالَ عَلَى سَوَاءِ الْجَبَلِ لَا غَرْبِيَّةَ أَيْ لَا شَرْقَ لَهَا وَلَا غَرْبَ لَهَا إِذَا طَلَعَتِ الشَّمْسُ طَلَعَتْ عَلَيْهَا وَإِذَا غَرَبَتِ الشَّمْسُ غَرَبَتْ عَلَيْهَا. يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ بِكَادِ النُّورِ الَّذِي جَعَلَهُ اللَّهُ فِي قَلْبِهِ يُضِيءُ وَإِنْ لَمْ يَتَكَلَّمْ نُورٌ عَلَى نُورٍ فَرِيضَةٌ عَلَى فَرِيضَةٍ وَسُنَّةٌ عَلَى سُنَّةٍ يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ يَهْدِي اللَّهُ لِفَرَاغِهِ وَسُنَّهِ مَنْ يَشَاءُ. وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ فَهَذَا مَثَلُ ضَرْبِهِ اللَّهُ لِلْمُؤْمِنِ، قَالَ فَالْمُؤْمِنُ يُتَقَلَّبُ فِي خَمْسَةِ مِنَ النُّورِ، مَدْخُلُهُ نُورٌ وَمَخْرَجُهُ نُورٌ وَعِلْمُهُ نُورٌ وَكَلَامُهُ نُورٌ وَمَصِيرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَى الْجَنَّةِ نُورٌ. قُلْتُ لَجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ جَعَلْتُ ذَٰكَ يَا سَيِّدِي إِنَّهُمْ يَقُولُونَ مَثَلُ نُورِ الرَّبِّ قَالَ سُبْحَانَ اللَّهِ لَيْسَ لِلَّهِ مَثَلٌ قَالَ اللَّهُ فَلَا تَضْرِبُوا لِلَّهِ الْأَمْثَالَ» تفسیر القمی، ج ۲، ص: ۱۰۳. در این روایت اگر قلب مومن هم به

در طرف مقابل هم اگر کسی به این هدایت الهی پشت کرد و کفر ورزید، در محیط ظلمات واقع می شود و همه قوای او سیر او در این عالم و عوالم بعد در ظلمات خواهد بود. در صحیح صلیح بن سهل فرمود: «وَمَنْ لَمْ يَجْعَلِ اللَّهُ لَهُ نُورًا إِمَامًا مِنْ وَلَدِ فَاطِمَةَ فَمَا لَهُ مِنْ نُورٍ إِمَامٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» یعنی این نور، حقیقت امام است و اگر کسی با ائمه حق نباشد، همه عوالم او ظلمانی می شود تا روز قیامت.

این تقابل و سیر در وادی نور و ظلمت در عوالم بعد در آیات شریفه سوره مبارکه حدید بیان شده است: «يَوْمَ تَرَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ يَسْعَى نُورُهُمْ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ بُشْرَاكُمُ الْيَوْمَ جَنَّتُ تَجْرَى مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ»<sup>۱۵</sup> این همان نوری است که در عوالم بعد با مومنین خواهد بود. ذیل صحیح صلیح بن سهل همین آیه اشاره شده و حضرت آن توضیح آن فرمودند: «يَسْعَى نُورُهُمْ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ أَيْمَةُ الْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ تَسْعَى بَيْنَ يَدَيِ الْمُؤْمِنِينَ وَبِأَيْمَانِهِمْ حَتَّى يُنْزِلُوهُمْ مَنَازِلَ أَهْلِ الْجَنَّةِ» این امام است که در مقابل و جانب راست انسان حرکت می کند و انسان را تا منزلگاه او در بهشت پیش برده و هدایت می کند.

در مقابل هم منافقین هستند که این نور را ندارند؛ در آیه بعد سوره حدید فرمود: «يَوْمَ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالْمُنَافِقَاتُ لِلَّذِينَ آمَنُوا انظُرُونَا نَقْتَبِسْ مِنْ نُورِكُمْ قِيلَ ارْجِعُوا وَرَاءَكُمْ فَالْتَمِسُوا نُورًا فَضُرِبَ بَيْنَهُم بِسُورٍ لَهُ بَابٌ بَاطِنُهُ فِيهِ الرَّحْمَةُ وَظَاهِرُهُ مِنْ قِبَلِهِ الْعَذَابُ» منافق که از امام جدا شده است، در عوالم بعد نوری نخواهد داشت. اگر در عالم ارض به امام رسید و با نور امام همراه شد، با این نور در عوالم بعد هم سیر می کند. فرصت اتصال انسان به امام و نور هدایت، در عالم ارض است و کسی که اینجا کفر ورزید و جدا شد، دیگر نمی تواند تقاضای ارتباط با نور الهی بکند. این نور تا ساحت بیوت تنزل کرده است که برای ما در دسترس قرار گیرد.<sup>۱۶</sup>

---

مشکاه نور تفسیر شده است این منافاتی با تفسیر مشکاه به نبی اکرم ندارد زیرا مومن در تبعیت از امام خودش به میزان تولى، مشکاه نور خواهد شد و بقیه هم می توانند از نور او بهره مند شوند.

۱۵ - سوره مبارکه حدید آیه ۱۲

۱۶ - استاد می فرمودند اینکه صراط باید هم در دنیا و هم در آخرت باشد به همین خاطر است و اگر کسی در دنیا به صراط رسید در عوالم بعد بر صراط خواهد بود. در روایت فرمود: «حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ الْحَسَنِ الْقَطَّانُ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ مُحَمَّدٍ الْحُسَيْنِيُّ قَالَ أَخْبَرَنَا أَبُو جَعْفَرٍ أَحْمَدُ بْنُ عِيسَى بْنِ أَبِي مَرْيَمَ الْعِجْلِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ زِيَادٍ الْعَرُزَمِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ حَاتِمٍ الْمَنْقَرِيُّ عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الصِّرَاطِ فَقَالَ هُوَ الطَّرِيقُ إِلَى مَعْرِفَةِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَهُمَا صِرَاطَانِ صِرَاطٌ فِي الدُّنْيَا وَصِرَاطٌ فِي الْآخِرَةِ وَأَمَّا الصِّرَاطُ الَّذِي فِي الدُّنْيَا فَهُوَ الْإِمَامُ الْمُفْتَرَضُ الطَّاعَةُ مَنْ عَرَفَهُ فِي الدُّنْيَا وَاقْتَدَى بِهِدَاهُ مَرَّ عَلَى الصِّرَاطِ الَّذِي هُوَ جِسْرُ جَهَنَّمَ فِي الْآخِرَةِ وَمَنْ لَمْ يَعْرِفْهُ فِي الدُّنْيَا زَلَّتْ قَدَمُهُ عَنِ الصِّرَاطِ فِي الْآخِرَةِ فَتَرَدَّى فِي نَارِ جَهَنَّمَ» معانی الأخبار، النص، ص: ۳۲

الیه روشن است که انسانی که در وادی نور الهی حرکت می کند، لزوماً اینطور نیست که هیچ ظلمتی نداشته باشد. فرمود «يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ» در روایات ما این ظلمات مومن، به ذنوب معرفی شده است که در واقع فروعات دستگاه کفر و شرک است. دستگاه ایمان ظلمتی ندارد. این ظلمتی است که از دستگاه طرف مقابل می آید. لکن مومن توبه می کند و از ظلمت دشمن خارج می شود؛ از تصرفی که عدو الله در وجود او کرده است خود را بیرون می برد. این سیر در درجات نور است. در طرف مقابل هم همه کفار در ظلمت محض نیستند بلکه نوری از دستگاه انبیاء در دستگاه آنها هست و الا که باطل برپا نمی شود ولی سیر آنها به سمت ظلمات خواهد بود. «وَالَّذِينَ كَفَرُوا أُولَئِكَ هُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُم مِّنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ»<sup>۱۷</sup>

### تبیین ضلالت و تحیر دستگاه کفر در عین تمتع دنیایی

پس دو عالم نور و ظلمت هست که یکی عالم هدایت و ذکر و بندگی و تسبیح است. دیگری عالم کوری و ضلال و تحیر و غفلت و لهو. کسی که در وادی ظلمات باشد، چیزی در عالم نمی بیند و معرفت و عمل درستی در عالم ندارد. هرکاری می کند همراه شک و تحیر و غفلت است. بهره ای هم که در دنیا دارد، تمتع حیوانی است. در آیه شریفه فرمود: «ذَرَهُمْ يَأْكُلُوا وَ يَتَمَتَّعُوا وَ يُلْهِمُهُمُ الْأَمَلُ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ»<sup>۱۸</sup> اینها یک تمتع و اکلی در دنیا دارند ولی این چیزی جز لهو و غفلت نیست. در آیه دیگر قرآن کریم فرموده: «إِنَّ اللَّهَ يُدْخِلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرَى مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَ الَّذِينَ كَفَرُوا يَتَمَتَّعُونَ وَ يَأْكُلُونَ كَمَا تَأْكُلُ الْأَنْعَامُ وَ النَّارُ مَثْوًى لَهُمْ»<sup>۱۹</sup> یعنی در مقابل ایمان و عمل صالح و بهشت، کفار به چیزی جز جهنم و یک تمتع و اکل حیوانی نمی رسند. این چیزی غیر از گم شدن و ضلال است؟!

به ما هم تذکر داده شده است که چشم تان دنبال دارایی های آنها نباشد. مسیر شما نور است و به بهشت الهی ختم می شود. مسیر آخرت از دنیا جداست. مسیر ایمانی با مسیر کفر قابل مقایسه نیست. بهشت با آن عظمت در مقابل این

<sup>۱۷</sup> - در صحیح ابن ابی یعفور فرمود: «عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى عَنْ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَبْدِ الْعَزِيزِ الْعَبْدِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِي يَعْفُورٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَ إِنِّي أَخَالِطُ النَّاسَ فَيَكْثُرُ عَجَبِي مِنْ أَقْوَامٍ لَا يَتَوَلَّوْنَكُمْ وَ يَتَوَلَّوْنَ فَلَانًا وَ فَلَانًا لَهُمْ أَمَانَةٌ وَ صِدْقٌ وَ وِفَاءٌ وَ أَقْوَامٌ يَتَوَلَّوْنَكُمْ لَيْسَ لَهُمْ تِلْكَ الْأَمَانَةُ وَ لَا الْوِفَاءُ وَ الصَّدَقُ قَالَ فَاسْتَوَى أَبُو عَبْدِ اللَّهِ جَالِسًا فَأَقْبَلَ عَلَيَّ كَالْغَضْبَانِ ثُمَّ قَالَ لَا دِينَ لِمَنْ دَانَ اللَّهُ بِوَلَايَةِ إِمَامٍ جَائِرٍ لَيْسَ مِنَ اللَّهِ وَ لَا عَتَبَ عَلَيَّ مَنْ دَانَ بِوَلَايَةِ إِمَامٍ عَادِلٍ مِنَ اللَّهِ قُلْتُ لَا دِينَ لَأَوْلِيكَ وَ لَا عَتَبَ عَلَيَّ هَؤُلَاءِ قَالَ نَعَمْ لَا دِينَ لَأَوْلِيكَ وَ لَا عَتَبَ عَلَيَّ هَؤُلَاءِ ثُمَّ قَالَ أَلَا تَسْمَعُ لِقَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ يَعْنِي مِّنَ ظُلُمَاتِ الذُّنُوبِ إِلَى نُورِ التَّوْبَةِ وَ الْمَغْفِرَةِ لَوْلَايَتِهِمْ كُلِّ إِمَامٍ عَادِلٍ مِنَ اللَّهِ وَ قَالَ وَ الَّذِينَ كَفَرُوا أُولَئِكَ هُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُم مِّنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ إِنَّمَا عَنْيَ بِهَذَا أَنَّهُمْ كَانُوا عَلَى نُورِ الْإِسْلَامِ فَلَمَّا أَنْ تَوَلَّوْا كُلَّ إِمَامٍ جَائِرٍ لَيْسَ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ خَرَجُوا بِوَلَايَتِهِمْ إِيَّاهُ مِنْ نُّورِ الْإِسْلَامِ إِلَى ظُلُمَاتِ الْكُفْرِ فَأَوْجَبَ اللَّهُ لَهُمُ النَّارَ مَعَ الْكُفْرِ فَأَوْلِيكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ» الكافي (ط - الإسلامية)، ج ۱، ص: ۳۷۶

<sup>۱۸</sup> - سوره مبارکه حجر آیه ۳

<sup>۱۹</sup> - سوره مبارکه محمد آیه ۱۲



زندگی دنیایی حقیر دستگاه کفر، که سراسر ضیق و ضنک است، مقایسه شدنی نیست. قرآن فرموده چشم به دارایی ها و آنچه به آنها در دنیا داده می شود، ندوزید؛ «وَلَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ زَهْرَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا لِنَفْتِنَهُمْ فِيهِ وَ رِزْقُ رَبِّكَ خَيْرٌ وَأَبْقَىٰ»<sup>۲۰</sup> اینها شکوفه های دنیاست که بجایی نمی رسد و متاعی بیش نیست. واقعاً اگر کسی این افق را نداشته باشد، خیال می کند تمدن کفار، بهشت موعود را در زمین محقق کرده اند!

خلاصه اینکه در عین اینکه دستگاه کفر در ضلال است و کوری محض است ولی قوایی دارد و امداد هم می شود و تصرف می کند و رزقی هم در دنیا برای او خواهد بود. تمتعی برای او هست که از جنس لعب و لهو و غفلت است. انسان تا وقتی کلمه هدایت الهی و توحید که در عالم نازل شده است را نبیند و مومن نشود و با آن همراه نشود، در وادی ضلال است. توجه او به هرچیزی و هر درکی که برای او پیدا می شود، باز هم ضلال است. نگاه او به همه عالم از سر لهو و غفلت است. نه مقصد را می داند؛ نه مسیر را می داند؛ نه قوا و نیازهای خود را می بیند؛ نه از حقیقت عالم خبری دارد؛ هیچ! یک انسان کر و کوری که در تاریکی برای خود چیزی فرض و تخیل کرده و همان را دنبال می کند.<sup>۲۱</sup>

انسانی که در وادی ضلال است هرچه بیشتر تلاش می کند؛ هرچه درک او از دنیا پیچیده تر هم شود، فقط ظلمتش بیشتر می شود و کار خود را سخت تر می کند. سیر در درکات ظلمت که در آیه شریفه بیان شده بود همین است. مانند کسی که مسیر را اشتباه گرفته و هرکاری می کند در یک وادی دیگری واقع می شود. هرچه تلاش می کند در جای دیگری است و به نتیجه ای نخواهد رسید. مانند کسی که متوجه حقیقت بذر و رویش و کاشت و افزودنی ها را نباشد و مشغول بازی با بذرها شود و یا آنها در زمین غیر حاصلخیز و بائر بکارد.<sup>۲۲</sup> اگر این ضلال نیست پس گم شدن چه معنایی دارد؟!

---

<sup>۲۰</sup> - سوره مبارکه طه آیه ۱۳۱

<sup>۲۱</sup> - استاد اشاره کردند به اینکه یکی از مهمترین اتفاقاتی که با نور الهی برای انسان می افتد، این است که انسان با این هدایت است که درک درستی از خود و نیاز و قوا و حرکت و آینده خود پیدا می کند. در سوره مبارکه تغابن فرموده: «زَعَمَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنْ لَنْ يُبْعَثُوا قُلْ بَلَىٰ وَ رَبِّي لَبُئْسَ النَّاسُ لَتُبْعَنَّ بِمَا عَمِلْتُمْ وَ ذَلِكْ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ \* فَأَمِنُوا بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ النُّورِ الَّذِي أَنْزَلْنَا وَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ» یعنی انسان تا هدایت نشود حتی خودش و آینده اش را انکار می کند. می گوید «إِنْ هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَ نَحْيَا وَ مَا نَحْنُ بِمَبْعُوثِينَ» خبری در عالم نیست و همین دنیاست. در این آیه شریفه فرموده به این نور ایمان بیاورید تا بتوانید بعث خود را ببینید و تصمیم درستی برای حرکت خود داشته باشید. و الا انسان فقط حیات کور و بریده خود در دنیا را می بیند و متحیر هم می شود.

<sup>۲۲</sup> - اشاره به تعبیری که در صحیح محمد بن مسلم آمده بود: «عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ يَقُولُ إِنَّ مَنْ دَانَ لِلَّهِ بَعَادَةً يُجَاهِدُ فِيهَا نَفْسَهُ بَلَا إِمَامٍ عَادِلٍ مِنَ اللَّهِ فَإِنَّ سَعْيَهُ غَيْرُ مَقْبُولٍ وَ هُوَ ضَالٌّ مُتَحِيرٌ» و در ذیل این روایت فرموده بود، تلاش انسانی که در وادی ولایت و توحید نیست، مقبول نیست و بجایی نمی رسد؛ عملش گم می شود و حبط خواهد بود. اعمال اینها مانند خاکستری است که فرد جمع می کند و خیال می کند می تواند با آن کاری انجام دهد ولی تندبادی می آید و همه را می برد و هیچ چیز برای او نمی ماند. «مَثَلُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ أَعْمَالُهُمْ كَرَمَادٍ اشْتَدَّتْ بِهِ الرِّيحُ فِي يَوْمٍ عَاصِفٍ لَا يَقْدِرُونَ مِمَّا كَسَبُوا عَلَىٰ شَيْءٍ ذَلِكَ هُوَ الضَّلَالُ الْبَعِيدُ»

تا نگاه شاملی در عالم نباشد و انسان سوال های اصلی خود را جواب ندهد، انسان در تحیر است و معرفت های او و تصمیم های او همه در وادی تحیر و جهل و شک است. تا نور انبیاء که مفصلاً توضیح دادیم در عالم نازل نشود، کسی خبری از عالم ندارد و همه در ظلمت هستند. فقط با همان نور الهی انسان می تواند، نگاه شاملی به عالم بیاندازد و مسیر درستی در عالم پیش گیرد. تا انسان به امام نرسد در «وادی تیه» است و از آن خارج نمی شود.

سیر با نور الهی است که انسان را به رویت در عالم می رساند و یقین ایجاد می کند. در آیه شریفه فرمود: «وَكَذَلِكَ نُرِي إِبرَاهِيمَ مَلَكُوتَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَلِيَكُونَ مِنَ الْمُوقِنِينَ»<sup>۲۳</sup> کسی که با امام حرکت می کند این حجاب های کم کم برداشته می شود و سیر در درجات یقین آغاز می شود. این نور الهی است که وقتی نازل می شود، همه عالم را آیات الله می کند. این انسان است که آفاق و انفس را نشانه الهی می بیند و با آن حرکت می کند. فرمود: «سَنُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْآفَاقِ وَ فِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ»<sup>۲۴</sup> این رویت است که انسان را به معرفت و یقین می رساند. و الا همه عالم را انسان مشرکانه می بیند. درون خود را می بیند، نفس را می بیند؛ بیرون را می نگرد، مخلوقات و اسباب را می بیند که همه روی هم چیزی جز حجاب و غفلت نخواهد بود.

#### جواب به سوال استغناء معرفتی با عقل و علوم بشری

با توجه به این نکات روشن می شود اینکه ما خیال کنیم که خودمان بدون نیاز به انبیاء و هدایت الهی، حرکت می کنیم و به معرفت و یقین و درکی از حقیقت عالم می رسیم، این جز خیال چیزی بیش نیست. راه رسیدن به معرفت و یقین، حرکت ذهن از بدیهیات به سمت نظریات نیست که با ابزار منطق هم آن را تنظیم کنیم، بلکه یک راه برای رسیدن به وادی نور و معرفت و یقین در عالم هست، که انسان متولی به نور نازل شده الهی شود که همان وحی و نبی و امام است. عقل و قوای ادراکی ما بدون نور الهی، بجای نخواهد رسید.

در واقع تصویری که در مورد ادراک و فهم انسان شده است، این است که ما در خلأ همینطور داریم فکر می کنیم. درحالیکه قوای ادراکی انسان هم در همین دو محیط نور و ظلمت واقع می شود. اگر انسان قوای ادراکی اش را در وادی نور قرار دهد، خدا درک او را نورانی می کند؛ «يُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ» اینکه خیال کنیم علم و معرفت و شهود انسان در بیرون این دستگاه واقع می شود، حرف تمامی نیست. در وادی هدایت الهی است که درک و معرفت انسان

<sup>۲۳</sup> - سوره مبارکه انعام آیه ۷۵

<sup>۲۴</sup> - سوره مبارکه فصلت آیه ۵۳

درست تنظیم می شود و سیر در درجات معرفت نورانی حاصل خواهد شد. تاجاییکه انسان عالم را در مرتبه کنه نورانیت امام رویت می کند.<sup>۲۵</sup>

در طرف مقابل هم وقتی انسان کفر ورزید، معرفت و شهود و قوای ادراکی او در محیط ظلمانی واقع می شود و حرکت او در وادی یقین نیست، بلکه در وادی شک و تحیر است و روز بروز هم بر شک و تحیر او افزوده خواهد شد. اینطور نیست که درک و معرفتی ندارد، بلکه معرفت او ظلمانی واقع می شود. این فلسفه بافی ها و نظریه پردازی های بشریت را ببینید که نتیجه آن چیزی جز گم گشتگی بشریت بوده است؟! در حالیکه انسان از خودشان چیزی جز شهوت پیچیده شده نمی شناسد؟!

ممکن است توهم شود اینکه گفته می شود که دستگاه کفر در شک و تحیر و اختلاف است، این از جانب خودشان قابل درک نیست. ما با دیدگاه معرفت دینی می گوئیم اینها در ضلال و شک و تحیر هستند. و الا خودشان چنین تصویری ندارد. لکن اینطور نیست؛ واقعاً کسی که در عالم کور حرکت می کند و نگاه شاملی ندارد، خودش می فهمد که در بطن همه درک ها و معرفتی که دارد، یک شک و تحیری هست. انسان این سستی حرکت خود را می فهمد؛ درک می کند که زیر پایش سست است.

مگر انسان می تواند خود را به غفلت و خواب بزند و فراموش کند که هزاران سوال بی پاسخ را رها کرده و هرچور می خواهد عالم را تفسیر می کند؟! قرآن یک سوال پرسیده است: «أَتُتْرَكُونَ فِي مَا هَاهُنَا آمِنِينَ»<sup>۲۶</sup> آیا ما در این عالم رها شده ایم و امنیت داریم و هیچ مشکلی برای ما پیش نمی آید؟! اینکه هرکاری بخواهیم بکنیم هیچ اتفاقی نمی افتد؟! اینکه انسان خودش را اینطور تعریف کند که من موجود محدودی هستم که حیات محدودی دارم یا اینکه حیات وسیع خود را هرطور بخواهد ببافد، مگر مشکل او را حل می کند و می تواند آرام بگیرد؟! این وادی شک و حیرت برای خودشان هم محسوس است.

---

<sup>۲۵</sup> - اشاره به روایت معروف کنه نورانیت که فرمود: «قَالَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ إِنَّهُ لَا يَسْتَكْمِلُ أَحَدٌ الْإِيمَانَ حَتَّى يَعْرِفَنِي كُنْهُ مَعْرِفَتِي بِالنُّورَانِيَّةِ فَإِذَا عَرَفَنِي بِهَذِهِ الْمَعْرِفَةِ فَقَدْ امْتَحَنَ اللَّهُ قَلْبَهُ لِلْإِيمَانِ وَ شَرَحَ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ وَ صَارَ عَارِفًا مُسْتَبْصِرًا وَ مَنْ قَصَرَ عَنْ مَعْرِفَةِ ذَلِكَ فَهُوَ شَاكٌّ وَ مُرْتَابٌ» بحار الأنوار (ط - بيروت)، ج ۲۶، ص: ۱. در این روایت اشاره شده است که سیر در درجات نور تا مقام کنه نورانیت امیرالمومنین ادامه خواهد داشت. نیز بیان می کند که این سیر، همراه با امتحان و بلاء و حرکت در فتنه هاست و اینطور نیست که این امور یک سیر معنوی خیالی باشد بلکه در وسط میدان معرکه ها و بلاهای همراهی با اولیاء الهی خواهد بود.

<sup>۲۶</sup> - سوره مبارکه شعراء آیه ۱۴۶

حال با این بحث ها در مورد بحث یقین و شک و رسیدن به نور و هدایت الهی در مقابل قرار گرفتن در محیط ضلال و گمراهی و ظلمت، قدری سراغ روایات خواهیم رفت و این مضمون را پی خواهیم گرفت. یک روایت را در پایان جلسه اشاره می کنیم.

در معتبره مفضل بن عمر فرمود: «بَعْضُ أَصْحَابِنَا عَنْ عَبْدِ الْعَظِيمِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْحَسَنِيِّ عَنْ مَالِكِ بْنِ عَامِرٍ عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ زَائِدَةَ عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ مَنْ دَانَ اللَّهُ بِغَيْرِ سَمَاعٍ عَنْ صَادِقٍ أَلْزَمَهُ اللَّهُ التَّيَهُ إِلَى الْعَنَاءِ»<sup>۲۷</sup> شبیه همین مضمون در بصائر هم نقل شده است. فرمود: «عَنْ جَابِرِ بْنِ يَزِيدَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ أَنَّهُ قَالَ: مَنْ دَانَ اللَّهُ بِغَيْرِ سَمَاعٍ عَنْ صَادِقٍ أَلْزَمَهُ اللَّهُ التَّيَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ»<sup>۲۸</sup> اگر کسی ذیل ولایت امام حق قرار نگیرد، خدا او را در وادی تیه و تحیر قرار می دهد و تا روز قیامت هم در این ظلمت و ضلال خواهد بود و پایان آن هم خروج از تیه نیست، بلکه جهنم است. این همان «طَخِيَّةَ عَمِيَاء»<sup>۲۹</sup> است که حضرت در خطبه فرمودند. هم مردم کور می شوند و هم فضا تاریک. اینطور است که انسان ها به ضلالت و گمراهی می روند. والحمدلله...

<sup>۲۷</sup> - الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۱، ص: ۳۷۷

<sup>۲۸</sup> - بصائر الدرجات، ج ۱، ص: ۱۴

<sup>۲۹</sup> - معانی الأخبار، النص، ص: ۳۶۱. معرو به خطبه شفشقیه که در نهج البلاغه هم شبیه آن نقل شده است.